

این، عقل سلیمه نبود!



نامه محمودرضا بهمن پور

متاسفانه این شیوه که به صورت رتدانه‌ای طی چهارسال، در معاونت فرهنگی و با اصرار و سماجت‌پی گرفته شد، نتایجی به دنبال داشت که حضرتعالی از ابعاد فاجعه‌آمیز آن به خوبی مطلع هستید که به توسعه ابتدال در حوزه تصویر و انتشار صدها جلد، کتاب باتصاویر سطحی، توسط نوآموزان و دانشجویان ناآشنا منجر شد. در این زمان، تلاش دوستان حوزه معاونت فرهنگی، به این امر معطوف شده بود تا ثابت کنند نمایشگاه آثار تصویرگران کتاب کودک، بسیار پرهزینه‌است و ضرورتی برای برپایی آن وجود ندارد. اینک مایل هستم در این زمینه نکاتی ارائه دهم که البته ممکن است به مذاق بسیاری خوش نیاید. این که مخالفان اصلی نمایشگاه تصویرگران چه کسانی بوده‌اند، در پایان این نوشته آشکار خواهد شد و نتایج این ضربه بزرگ که بر پیکر بخشی از کتاب کودک وارد آمد نیز ارزیابی خواهد شد.

نخستین نمایشگاه آثار تصویرگران کتاب کودک، براساس ایده‌ای که در زمان مسئولیت بنده در حوزه کتاب کودک، به صبح زنگنه اعلام شد، برگزار گردید، هیچ کس نمی‌دانست این نمایشگاه چیست و چگونه برگزار خواهد شد و چه پیام‌هایی دارد. در همان دوره، تعدادی فعالیت فرهنگی و هنری دیگر در ارشاد برگزار می‌شد. طرح بودجه اولیه‌ای برای نمایشگاه در نظر گرفته شد و فعالیت‌های نمایشگاه تصویرگران در یک اتاق ۳×۴ در طبقه سوم وزارت ارشاد و البته با حمایت آقای سیدمحمدخاتمی و آقای صبح زنگنه آغاز شد. به دلیل جوان بودن حرکت، با راهنمایی بسیاری بزرگواران، نمایشگاه نخست سرشار از ایده و ابتکار وزیبايي شد. در این جا به تعدادی از این موارد اشاره می‌کنم:

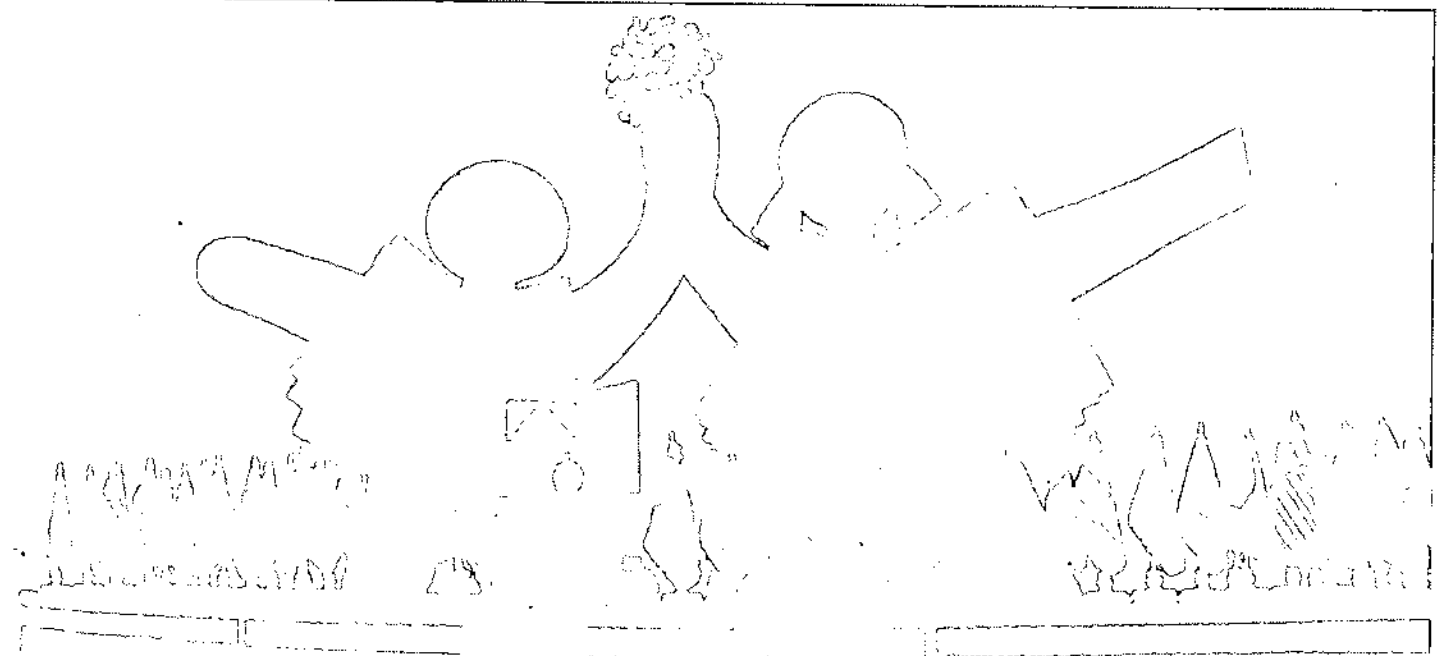
۱. مسعود مهرابی که در آن زمان، مجله فیلم را با مجوز تک شماره منتشر می‌کرد، پیشنهاد تکثیر خیرنامه‌های نمایشگاه را به یک فکر درجه یک تبدیل کرد. با همت او، در طی ده روز ۴ شماره نشریه رویش شکل گرفت. تمام حروفچینی کامپوست رویش‌های نخست و صفحه‌آرایی این نشریه، با مساعدت و حمایت مجله فیلم و مسعود مهرابی میسر شد. مصرا پیشنهاد کرد تا جلدها رنگی باشند و شمایل و محتوای رویش‌ها از شکل و محتوایی ماندگار و قابل رجوع برخوردار گردد.

مشاوران ناآشنا، تحلیل‌ها و ارزیابی‌هایی از این حرکت صورت می‌گرفت. از آن جایی که برگزار نشدن این حرکت، با هیچ دلیل جدی و مهمی همراه نبود، جسته و گریخته، دلایلی نقل می‌شد که برای من بسیار عجیب بود. به ویژه وقتی دلایل یادشده، عاری از حقیقت و نشانگر ناشیگری مدعیان بود. در نوشته محترمانه جنابعالی، به یکی از این دلایل اشاره شده بود. در همان سال‌ها که معاون محترم امور فرهنگی، آقای علیرضا برازش، با مشاورانی که اینک در حوزه فرهنگ، به عنوان مشاورانی کارداران شناخته نمی‌شوند، به این نظر رسیدند که بهتر است نمایشگاه یادشده، برگزار نشود و بودجه آن در اختیار تعدادی تصویرگر و یا ناشر قرار گیرد و ایشان به امر کیفی تصویرسازی تشویق شوند. این تحلیل، بر مبنای پرهزینه بودن نمایشگاه ارائه می‌شد. البته پس از اختصاص ردیفی در بودجه معاونت فرهنگی، هیچ تصویرگری از سوی متولیان فرهنگ، حمایت نشد و پولی برای این موضوع دریافت نکرد. اگر هم تصویرگر و یا ناشری در این زمینه مورد حمایت قرار گرفته است، ای‌کاش اعلام می‌شد و جالب این که بودجه این نمایشگاه، صرف نمایشگاه‌های دیگر شد که بماند.

به نام خدا
استاد عزیز، جناب آقای مهدی حجوانی!
سر دبیر محترم کتاب ماه

درج مقاله جنابعالی در شماره ۲۱ کتاب ماه را درباره برگزاری مجدد نمایشگاه بین‌المللی آثار تصویرگران کتاب کودک، به فال نیک می‌گیرم. از مهر و علاقه‌ای که در بیان صمیمانه شما در نقد این نمایشگاه صورت گرفته بود، بسیار خشنودم. این نخستین مطلب در نقد نمایشگاه تصویرگران، پس از سال‌هاست؛ چه در زمانی که این نمایشگاه برگزار می‌شد و چه پس از آن، نقد این حرکت در صورتی که استمرار یابد، ثمربخش و مهم به حساب می‌آید.

وقتی نمایشگاه تصویرگران در سال ۷۲ برگزار شد، گروه برگزارکننده، به دنبال توسعه و برگزاری مجدد آن در سال ۷۴ بودند که چنین نشد. اما کسی سؤال نکرد چرا؟ و کسی برای برهم زدن و برگزار نشدن مجدد آن مؤاخذه نشد. ناظران و همراهان این حرکت، در میان بهت و ناباوری، سال‌هایی را نظاره کردند که در اتاق‌های در بسته و با مشاوره



مجموعه جوان برگزارکننده، پیشنهادات او را با میل پذیرفت، و از ده‌ها نفر درخواست نوشته، مقاله، ترجمه، شعر، داستان و تحقیق کرد. اگر رویش‌های دوره نخست‌ترا مرور کنیم، پی می‌بریم همه آنچه در این مجلات گردآمده، با همراهی پدیدآورندگان آن بوده است. رویش‌ها ماندنی‌تر شد و پرتاب‌تر و البته تنها و تنها هزینه کاغذ، چاپ و صحافی به همراه داشت. آیا تا آن زمان حتی مقاله‌ای درباره تصویرسازی کتاب‌های کودکان درجایی منتشر شده بود؟ مجلات یاد شده، نخستین گام را در این زمینه برداشتند و پس از آن بخش عمده‌ای از تحقیقات در این حوزه، با ارجاع به رویش‌ها تولید گردید.

۲. مرتضی ممیز که نمایشگاه تصویرگران، بدون شک تا همیشه مدیون اوست، موج همراهی دانشجویان را برنامه‌ریزی کرد. از چند تن از شاگردان خود خواست تا به برگزارکنندگان نمایشگاه مدد رسانند. پوسته‌های متفاوت، کارت‌های یادبود، دفترچه‌های نقاشی و انتشارات دوره اول، حاصل این مساعدت و همکاری است. مرتضی ممیز، در دوره‌های بعدی نمایشگاه، با روحیه‌ای انتقادی و اصلاحی، ضعف‌های نمایشگاه را بازگو می‌کرد و همراهانه مسیر حرکت تصویرگران را تقویت کرد. اشتیاق او برای برگزاری حرکت‌هایی از این نوع، به باوروی آن در نزد هنرمندان منجر شد.

۳. مهدی حجوانی که اتفاقاً در این متن، خطاب‌سخن بنده هم هستند و البته نقش ایشان بیش از هر چیز در تشویق، راهبری و حمایت‌های آشکار و پنهان بود که امکان برگزاری نمایشگاه را تضمین می‌کرد. توضیح بیشتر درباره ایشان را در جایی خواهیم گفت که مخاطب این متن نباشند.

۴. شورای کتاب کودک نیز هیچگاه حمایت و همراهی و مشاوره‌های خود را از مجموعه تصویرگران دریغ نکرد. اگر خانم‌ها میرهادی وانصاری، باتشویق‌های خود، موجب توسعه این حرکت شدند، صرفاً به دلیل عشقی است که به مسائل کودکان این کشور داشته و دارند.

۵. در همان دوره نخست، عده‌ای از ناشران کتاب کودک، به انجام کارهای انتشاراتی نمایشگاه کمک کردند. انتشارات دادجو، هزینه‌های تولید پوسته بخش جنبی نمایشگاه (برداشت‌های تصویری از مثنوی معنوی) را

تقبل کرد. انتشارات احیای کتاب، با مدیریتی درخور تحسین، انتشار نخستین کتاب رنگی یک‌نمایشگاه هنری را به انجام رساند و برای نخستین بار، موزه هنرهای معاصر در شب افتتاح نمایشگاه، با کتاب‌رنگی همان نمایشگاه، مراسم خود را برپا کرد.

هر عقل سلیمی اذعان می‌کند اگر حرکتی در این کشور، با چنین مساعدت‌ها و همراهی‌هایی توأم باشد، دارای اثربخشی و با انعکاس همراه خواهد بود. در نمایشگاه سوم، بخشی از تولیدات نمایشگاه، به عرضه عمومی رسید و از محل درآمدهای حاصل از انتشارات، برخی از هزینه‌های نمایشگاه تأمین شد. بسیاری از مراکز فرهنگی کشور مانند شهرداری تهران، صدا و سیما، شرکت بهنوش (تولید نوار)، بانک صادرات، مداداستدرا و تعداد وسیعی از هنرمندان و ناشران کتاب، صمیمانه با این حرکت همراهی کردند. آنچه بیشتر از هر چیز موجب گردید تا مشاوران گرانقدر معاونت امور فرهنگی، زمان آقای برازش، از نمایشگاه تصویرگران به عنوان حرکتی پرهزینه یاد کنند، جلوه‌های بی‌رقیب آثار انتشاراتی و تبلیغاتی نمایشگاه در سطح وسیعی بود که البته بیش از هر چیز، حاصل ذوق و ابتکار هنرمندان بی‌توقعی بود که عاشقانه از این حرکت حمایت کردند. روش و شیوه دولتمدارانه بسیاری از مسؤولان فرهنگی در آن سال‌ها، با شیوه‌های همدلی و مساعدت بدون چشمداشت مالی، آشنا نبوده است. از این رو، برای فعالیت تصویرگران، معادلات نجومی تصور می‌کردند.

در همین جا می‌بایست اشاره ظریفی هم به آثار انتشاراتی در هر سه دوره نمایشگاه بشود. در هر دوره انتشارات نمایشگاه به دلیل جلب‌توجه و ضرورت‌های محتوایی، خلاء مهمی را در حوزه خود مرتفع کرد. اگر تاپیش از برگزاری نمایشگاه‌های تصویرگری، یک جلد کتاب و یا یک مقاله و یا ترجمه در موضوعات تصویرگری، در جایی منتشر شده است، ارائه گردد تا ضرورت انتشارات نمایشگاه مورد سؤال قرار گیرد.

همچنین، برای نخستین بار، در تاریخ نمایشگاه‌های هنری در ایران، هم‌زمان با شب افتتاح نمایشگاه، کتاب رنگی نمایشگاه منتشر گردید. احتمالاً مشاوران عصر یخبندان دوره وزارت جناب آقای میرسلیم، در حوزه معاونت

فرهنگی، می‌توانند به کل کتاب‌های منتشر شده در حوزه معاونت هنری تا قبل از سال ۶۸ مراجعه کنند و ببینند که سنت انتشار کتاب‌رنگی در زمینه موضوعات هنری و برای نمایشگاه‌های موزه، توسط تصویرگران کتاب کودک گذاشته شد. البته، مسئولان این حوزه همیشه از این اقدام نیز دلخور بودند؛ چون سایر نمایشگاه‌های هنری همچون نقاشان، گرافیک‌ها و مجسمه‌سازان، متوقع انتشار کتاب رنگی شده بودند.

در خصوص تأثیر این نمایشگاه در حوزه معاونت فرهنگی، سخن نمی‌گویم و اگر لازم بود، در آینده، مواردی را شرح خواهم داد.

اما به راستی مشاوران دوران آقای برازش، هیچگاه از خود سؤال کردند که چگونه در مدت ۴ سال، تالیف کتاب از میانگین ۷۵ درصد در سال‌های ۶۸ تا ۷۲، در سال‌های ۷۴ تا ۷۶ به میزان ۳۰ درصد رسید؟ یعنی کاهش چشمگیر تالیف و بالطبع تصویرسازی. آیا ایشان هیچگاه نخواستند به این پرسش پاسخ دهند که در عصر طلایی یخبندان، چگونه سمینارهای ادبیات کودک و کنفرانس کتاب کودک در جهان معاصر تعطیل شد و موج کتاب‌های کارتون‌ی جثه نحیف تصویرگری رابه مرگی زود هنگام مبتلا کرد. بی‌شک برگزاری صوری و یادکنکی یک حرکت نمایشگاهی، بدون ارزیابی تأثیرات آن، اقدامی شایسته نیست. اما آیا تأثیر بهنگام و گسترده این حرکت، بر حوزه‌های مختلف هنری و تصویری که توأم با ده‌ها مقاله تحقیقی، رساله‌دانشگاهی و حضور مستمر هنرمندان کتاب کودک در این حوزه بود، گوشه‌ای از موفقیت‌های آن محسوب نمی‌شود. از بزرگترین ضربه‌های تعطیلی فعالیت تصویرگران که البته با همت مشاوران عالی معاونت فرهنگی صورت گرفت، آن بود که بازار کار برای ده‌ها مصور حرفه‌ای و قدیمی و صدها مصور جوان، از بین رفت.

در این فرصت، تنها امکان طرح توضیحاتی درباره موضوع هزینه و نحوه برگزاری نمایشگاه تصویرگران فراهم آمده در فرصتی دیگر، ارزیابی بهتری از اقدامات مشاوران عصر یخبندان، در برخورد با کتاب کودک ارائه خواهم کرد.